

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهم / از آن به که کشور به دشمن دهم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن – المان

## تحفه وحشت

هموطن ! بنگر که عالم پر گل و گلزار شد  
خشکی و زرد خزان ، سبزینه در انظار شد  
بستر گل در چمن ، آخر سر و سامان گرفت  
عندلیب از باده و جام نوا سرشار شد  
لاله در دامن و ، گل در باغ و ، بلبل در چمن  
راضی از معشوق ، عاشق ، دلبر از دلداری شد  
شمع وحدت ، انجمن آرا ، به بزم عاشقان  
غیرت پروانه ، طالب را علمبردار شد  
حیف از افغان ستان باستان قهرمان  
مرکز باندر ترور و ، بیشه اشراش شد  
انفجار و انتحار و لثم و شتم و ، اختناق  
تحفه اعراب وحشی ، رونق بازار شد  
شیشه ناموس آرامش ، به سنگ اجنبی  
جغزی جغزی ، زیر پای مفسدان هزار شد  
طالب و گلپته ، گرچه ، بدتر از یکدیگرند  
هر کدامش ، خائن ملی و جنگسالار شد

کرگس و کلرغ و بوم و باشه و زاغ و زغن  
 یا چو گرگ و چون شغال و ببر و چون گفتار شد  
**هرکه** آب از دست **گلبدين** نوشد ، تا ابد  
 بنده و امت ، به آن **نالایق** غدار شد  
 صاحب سیم و زر و سرمایه و نام و مقام  
**تا چلم بردار** **حکمتیار** **راکتبار** شد  
 گر به آب زمزم و کوثر کند غسل و وضو  
 طینت ناپاک او کی پاک ، بل مردار شد  
 موثر اندیشه اش از بیسوادی ها **فلج**  
**بد کلج** ، اندر **ولج** ، همچون **نمج** بدکار شد  
 گه ، **رَعاعُ النَّاسِ** و ، گاهی هم به مانند **هَمَج**  
 دال پاکستان او را ، لُقمَةُ تِيَّارِ شد  
 از **بواسیر** و **رُماتيزم** و ، **قُلنج** و ، از **خلج**  
 ناله و فریاد ، روز و شب ازان بیمار شد  
 بر سؤال خام یک تن **چک چکی هایش** چنان  
**پاسخ دندان شکن** از فهم **مسکینیار** شد  
 کرزیا ! ویرانه میهن ، میشود ، ویرانه تر  
 گر ترا همکار ، **طالب** ، یا که **حکمتیار** شد  
 دیدی از جور و جفای **جیره خوران عرب**  
 پیکر بودا به آنی ، محو در اسرار شد  
 در چنین عصری که عالم است ، در دست بشر  
 میهن ما پر ز ریش و پشم و از چلتار شد  
 دیگران تسخیر عالمها نمودند و ولی  
 ملت افغان به ضد هم به یک پیکار شد  
**ای خدا ! رخت جهالت را ز ملک ما ببند**  
**تا شعور و عقل ، از خواب گران بیدار شد**  
 « نعمتا » ! بر صحبت **ابرار** بنما افتخار  
 از گپ **اشرار** باید ، دست و دل بردار شد

## معانی بعضی از لغات:

لَتَم - زدن ، بر سوراخ بینی زدن ، تیر انداختن \*\*\* شَتَم - دشنام دادن ، سرزنش ، جور ، فساد ، قیاحت \*\*\* اختناق - خفه کردن ، گلو گرفتن \*\*\* جغزی جغزی - خرد خرد ، ریزه ریزه \*\*\* هار - جانور دیوانه ، سگ دیوانه ، سگ گزنده ، گوشت گندیده ، فضله و افکنده انسان و حیوان را هم میگویند ، سرگین سایر حیوانات \*\*\* فَلَج - بیحس ، گشادی میان پاها ، گشادی میان دندانها \*\*\* وَلَج - راه ریگستان ، راه در رمل ، راه در ریگ \*\*\* نَمَج - پشه ، مگس ریز ، مردم پست و فرومایه و پست \*\*\* رَعاعُ النَّاسِ - مردم پست و فرومایه \*\*\* هَمَج - احمق ، بی سر و پا ، گرسنگی ، مگس کوچکی که بر روی خر نشیند و خرمگس که نیز بر گوسفند نشیند \*\*\* خَلَج - درد استخوان ، مبتلا شدن به درد استخوان ، ماندگی ، کوفتگی ، تباهی ، فیزه زدن \*\*\*

( 6 فبروری 2010 )